سرمقاله

البرز و آزمون انتقال
یک میراث بزرگ

ادامه از صفحه ۱

.. به قاب عکس‌ها، بنرها و مراسم‌های تکراری تقلیل می‌یابد و اگر درست منتقل نشود، از حافظه نسل آینده حذف خواهد شد.

دیدار دست‌اندرکاران این کنگره با رهبر معظم انقلاب اسلامی و بیانات صریح و عمیق ایشان، دقیقاً بر همین نقطه حساس انگشت گذاشت؛ جایی که فاصله میان «برگزاری» و «اثرگذاری» شکل می‌گیرد. رهبر انقلاب با صراحت هشدار دادند که رفتار برخی دستگاه‌های فرهنگی و مسئول، نشان‌دهنده همت لازم برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس نیست. این جمله، نه یک گلایه تشریفاتی، بلکه یک هشدار راهبردی است: هشداری که باید در همین استان البرز جدی گرفته شود.

البرز، استانی با یک ویژگی منحصربه‌فرد است: ترکیبی از اقوام، فرهنگ‌ها و مهاجرانی از سراسر ایران. همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کردند، هر حرکت فرهنگی موفق در این استان، قابلیت سرریز شدن به کل کشور را دارد. به بیان دیگر، البرز می‌تواند «گلوگاه انتقال ارزش‌ها» باشد؛ اما همین مزیت، مسئولیت را نیز سنگین‌تر می‌کند. اگر انتقال ارزش‌ها در البرز سطحی، شعاری یا ناکارآمد باشد، این ضعف نیز به دیگر نقاط کشور صادر خواهد شد.

مسئله اصلی، همان است که رهبر انقلاب بر آن تأکید کردند: انگیزه‌ها. شهدا صرفاً محصول احساسات زودگذر نبودند. آنان از سر شوق به لقاءالله، احساس تکلیف دینی، درک مسئولیت اجتماعی و حس مقابله با دشمن قدم به میدان گذاشتند. اگر این انگیزه‌ها را نشناسیم و نتوانیم آن‌ها را برای نسل جدید تبیین کنیم، بزرگداشت شهدا به یک روایت ناقص و حتی تحریف‌شده تبدیل می‌شود.

نسل جوان امروز، برخلاف برخی تصویرسازی‌های کلیشه‌ای، نسلی بی‌هویت یا بی‌اعتقاد نیست. رهبر انقلاب به‌درستی بر این نکته تأکید کردند که جوان امروز، در برابر موج سنگین ابزارهای پیشرفته القای معنا و هویت، ایستاده و هویت دینی خود را حفظ کرده است. این ایستادگی، خود یک سرمایه بزرگ است. اما سرمایه‌ای که اگر به رسمیت شناخته نشود و با زبان درست با آن سخن گفته نشود، فرسوده خواهد شد. اینجاست که نقش دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌ها، آموزش‌وپرورش، دانشگاه‌ها و حتی مدیریت شهری استان برجسته می‌شود. انتقال ارزش‌های دفاع مقدس، نه با دستور اداری ممکن است و نه با تولید انبوه محتواهای کلیشه‌ای. این انتقال، نیازمند کار هنرمندانه، روایت دقیق، پیگیری مداوم و شناخت واقعی مخاطب جوان است. همان نکته‌ای که رهبر انقلاب از آن به «تلاش دوم» یاد کردند؛ تلاشی فراتر از برگزاری مراسم و تولید محصول.

کنگره شهدای استان البرز اگر بخواهد اثرگذار باشد، باید شجاعانه از خود بپرسد: کتاب‌هایی که تولید می‌شود، واقعاً خوانده می‌شوند یا صرفاً در قفسه‌ها می‌مانند؟ فیلم‌ها و مستندها، مخاطب جوان را درگیر تجربه و پرسش می‌کنند یا فقط برای تکمیل گزارش عملکرد ساخته شده‌اند؟ آیا روایت شهدا، انسانی، ملموس و قابل همذات‌پنداری است، یا در قالبی آرمانی و دور از زیست امروز جوان بازگو می‌شود؛ به گونه‌ای که او نتواند خود را در آن روایت پیدا کند؟

در این میان، مسئله فقط «رسانه به معنای کلاسیک» نیست. امروز انتقال پیام، صرفاً از مسیر خبر، گزارش و تیتر انجام نمی‌شود. میدان روایت، بسیار گسترده‌تر شده است: از کلاس درس و دانشگاه گرفته تا فضای مجازی، تولیدات هنری، گفت‌وگوهای اجتماعی، سبک زندگی شهری، نام‌گذاری فضاها، برنامه‌های فرهنگی محله‌محور و حتی زبان مدیران و مسئولان در مواجهه با مردم. هر کدام از این‌ها، یک رسانه است؛ رسانه‌هایی که یا حامل معنا است یا ناخواسته به تهی شدن معنا کمک می‌کنند. اگر این شبکه گسترده روایت نتواند ارزش‌های شهدا را به زبان امروز منتقل کند، جای آن خالی نخواهد ماند؛ بلکه روایت‌های سطحی، ناقص یا حتی تحریف‌شده، این خلأ را پر می‌کنند. تجربه نشان داده است که هرجا روایت اصیل عقب‌نشینی کرده، این جایگزینی رخ داده است. امروز، میدان اصلی رقابت فرهنگی، نبرد روایت‌هاست؛ جایی که محتوا، فرم ارائه، زبان بیان و صداقت روایت‌کننده، همزمان تعیین‌کننده تأثیر و ماندگاری پیام است.

کنگره شهدای البرز تا ۴ دی ۱۴۰۴ ادامه دارد؛ اما اثر واقعی آن، نه در تعداد مراسم‌ها و نه در حجم تولیدات، بلکه بعد از پایان این بازه سنجیده می‌شود. آن‌گاه که ببینیم آیا جوان البرزی، شهدا را بهتر و عمیق‌تر شناخته است؟ آیا توانسته نسبت خود را با مفاهیمی چون تکلیف، ایثار، مسئولیت و مقاومت بازتعریف کند؟ یا همه‌چیز با جمع شدن سازه‌ها، بنرها و پایان برنامه‌ها، به خاطره‌ای کوتاه‌مدت تبدیل می‌شود؟ سخن آخر اینکه، همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند، با وجود همه سختی‌ها و مشکلات، آمادگی‌های فراوانی در کشور و به‌ویژه در میان جوانان وجود دارد. البرز می‌تواند پیش‌قراول تبدیل این آمادگی به حرکت باشد؛ به شرط آنکه از کلیشه‌ها عبور کنیم، جوان را جدی بگیریم و انتقال ارزش‌های شهدا را نه یک وظیفه اداری، بلکه یک مأموریت تاریخی بدانیم. کنگره شهدا فرصتی است؛ فرصتی که اگر از دست برود، به سالگی قابل جبران نیست. امروز البرز در معرض یک انتخاب است: یا برگزارکننده یک رویداد باشد، یا حامل یک پیام ماندگار.

باهره حیدری
Alborz.payam@gmail.com

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت ۵۵۸۰ شهید استان البرز مطرح کردند

البرز؛ نقطه‌ای برای انتقال پیام شهدا به سراسر کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید کردند: رفتاری که انسان از برخی دستگاه‌های فرهنگی و برخی دستگاه مسئول مشاهده می‌کند، همت و تلاش برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس را نشان نمی‌دهد.

به گزارش پیام آشنا، دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت ۵۵۸۰ شهید استان البرز با حضور در حسینیه امام خمینی(ره) با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، یکی از کارهای مهم در شرایط کنونی را انتقال انگیزه‌ها و ارزش‌های دوران دفاع مقدس به نسل جوان دانستند و گفتند: جوان‌های امروز ما جوانان خوبی هستند و به‌رغم امکانات پیشرفته‌ای که برای انتقال محتوا و مفاهیم مختلف به ذهن آنان وجود دارد اما توانسته‌اند هویت دینی خود را حفظ کنند و باید از این بستر جهت تبیین و انتقال هنرمندانه ارزش‌ها به جوانان استفاده کرد.

رهبر انقلاب، شوق به لقاءالله و احساس تکلیف دینی در میان رزمندگان دفاع مقدس را از جمله دهها ارزش و انگیزه‌های آن دوران برشمردند و با تأکید بر اینکه نباید گذاشت این انگیزه‌ها خاموش شوند، افزودند: رفتاری که انسان از برخی دستگاه‌های فرهنگی و برخی دستگاه مسئول مشاهده می‌کند، همت و تلاش برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس را نشان نمی‌دهد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه انتقال ارزش‌ها و انگیزه‌های دوران دفاع مقدس به نسل جدید نیازمند کار هنرمندانه و پیگیری بی‌وقفه است، خاطر نشان کردند: به‌رغم همه سختی‌ها و تنگدستی‌ها و مشکلات، نقاط مثبت فراوان و آمادگی‌های زیادی برای حرکت در جهت اسلام و انقلاب در کشور وجود دارد که باید تقویت شوند.

ایشان ضمن تجلیل از مردم استان البرز به‌ویژه خانواده‌های شهدای این استان و قدردانی از دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت شهدای استان البرز، حضور افرادی از نقاط مختلف ایران را در کرج، یک مزیت دانستند و گفتند: اگر بزرگداشت شهدا و انتقال پیام و ارزش‌های آن شهیدان به‌خوبی انجام شود می‌تواند به‌واسطه همین مزیت به دیگر نقاط کشور نیز منتقل گردد.

همچنین سخنان رهبر معظم انقلاب در محل برگزاری این همایش در کرج منتشر شد.

مشروح بیانات رهبر انقلاب به شرح ذیل است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله‌الاطیبین‌الاطهرین‌المنتجبین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز! و خیلی متشکّرم از اینکه هفت کردید این جریان مفید و به یک معنا حیاتی را که جریان احیای نام شهیدان و یاد شهیدان است، در شهر کرج و در استان البرز به وجود آوردید.

استان البرز یک خصوصیّتی دارد که آقایان اشاره کردند؛ مجموعه‌ای از افراد متعلّق به نقاط مختلف کشور است که از چند ده سال پیش به این طرف به این شهر مهاجرت کرده‌اند؛ بنابراین، هر کار خوبی که در این شهر انجام بگیرد، احتمالِ این هست که منتقل بشود به سراسر کشور و در آن جاها هم تأثیر بگذارد. بنابراین، کارتان کار بسیار خوبی است و اقدام، اقدام خداپسندانه و مفیدی است. بنده از دست‌اندرکاران این کار متشکّرم.

یک نکته این است که شما در توضیح برنامه‌های این بزرگداشت، مطالب خوبی را بیان کردید ــ هر دوی آقایان مطالب مهمّی را بیان فرمودید، تأثیرات متوقّع از این کار را بیان کردید ــ منتها اینها خواسته‌های شما است؛ و اینها باید تحقّق پیدا کند؛ این را فکر بکنید؛ یعنی آن کتاب باید خواننده داشته باشد، آن فیلم باید بیننده داشته باشد و این مستلزم یک تلاش دوّمی است؛ یعنی اگر چنانچه کار را هنرمندانه انجام ندهید یا پیگیری نکنید یا زوایای مختلف کار را ملاحظه نکنید، این تلاشی که بخوبی انجام گرفته و بجا انجام گرفته، به نتایج خودش نخواهد رسید؛ باید کاری کنید که این تلاش به نتایج خودش برسد، و خود این یک تلاش دوّمی را لازم دارد. من میخواهم عرض بکنم فکر یک کار خوب و برنامه‌ریزی برای یک کار خوب، نیمی از آن کار است؛ نیمِ دوّم که مهم‌تر است، پیگیری و دنبال‌گیری و عمل کردن آن کار است و شما این را باید انجام بدهید.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، مسئله‌ی این بزرگداشت‌ها است؛ ما این بزرگداشت‌ها را برای چه انجام میدهیم؟ ما وقتی که بررسی میکنیم شهدای جنگ تحمیلی را، شهدای این جنگ اخیر را، عمده‌ی شهدای این جنگ‌ها را وقتی نگاه میکنیم، [می‌بینیم] انگیزه‌هایی در اینها وجود داشته که آن انگیزه‌ها اینها را به میدان خطر کشانده و احیاناً جان آنها را گرفته؛ دیگران زیادی هم بودند که همین انگیزه‌ها را داشتند، بحمدالله با عافیت و سلامت برگشتند؛ این انگیزه‌ها چیست؟ چرا یک جوان از زندگی راحت، از بودن در کنار پدر و مادر و درس و بحث و کار و آرزو و شغل و همه‌چیز صرف‌نظر میکند، میرود در سختی‌های جنگ، دشواری‌های جنگ ــ که آن کسانی که در این میدان بودند، میدانند که چه دشواری‌هایی دارد ــ خودش را در گیر میکند؟ اگر این کار بزرگ را، این حرکت عظیم را، صرفاً به یک احساسات تقلیل بدهیم، ظلم کرده‌ایم؛ بگوییم سخنرانی کردند، احساسات این بچّه‌ها تحریک شد و راه افتادند رفتند؛ این واقعاً ظلم به این حادثه است، ظلم به این اشخاص است؛ این [جور] نیست. چیزهای دیگری وجود دارد؛ آن چیزها را بشمارید، آن چیزها را پیدا کنید.

یکی [از این انگیزه‌ها] «شوق به لقاءالله» است. ما در بین این جوانها می‌شناسیم، می‌یابیم کسانی را که به معنای واقعی کلمه شایق الی‌الله بودند؛ یعنی همان کاری را که امام اشاره کردند به این بزرگان اهل معرفت و اهل سلوک و مانند اینها، گفتند یک عمر عبادت کردید قبول باشد، اما بروید وصیّت‌نامه‌ی این جوان را هم بخوانید؛ این جوان راه هفتادساله و هشتادساله را گاهی اوقات در چند ماه و چند روز طی کرده و به آنجا رسیده. این مسئله‌ی شوق، شوق الی‌الله را در جوانها باید به وجود آورد. این مسئله‌ی «احساس تکلیف دینی»، که این یک تکلیف است و به او گفته شده، و باید انجام بدهد؛ مثل نماز؛ باید این اتّفاق بیفتد، انجام بگیرد. مسئله‌ی «حسّ مقابله‌ی با دشمن»؛ این احساس مهمّی است. وقتی که جوان به درک و شعور جوانی خودش میرسد ــ در آن حد که از نوجوانی و از بچّگی خارج میشود ــ احساس میکند که یک تکلیفی در قبال کشور دارد که باید آن را انجام بدهد، و کسانی هستند مترصّدند که خانه‌ی او را، کشور او را، و داشته‌های فرهنگی و مدنی و میراثهای ماندگار او را از او بستانند؛ در مقابل اینها میخواهد بایستد؛ این یک حسّی است در انسان؛ و از این قبیل. شاید ده انگیزه‌ی مهم را انسان پشت سر هم بتواند برای این حرکت این جوانها بشمرد که حالا آقایان این کار را میکنید و انجام میدهید. ما اینها را باید منتقل کنیم به نسل بعد؛ حرف من این است.

من میگویم شما بایستی نگذارید که این انگیزه‌ها خاموش بشود؛ این انگیزه‌ها باید منتقل بشود به نسل بعد. رفتاری که انسان از بعضی از دستگاه‌های فرهنگی و بعضی از دستگاه‌های مسئول و کسانی که باید به فکر این چیزها باشند میبینند، این را نشان نمیدهد؛ یعنی واقعاً اینکه ما این مفاهیم والا را، این ارزشها را به نسل جوان منتقل کنیم، نمی‌بینیم؛ و در خیلی از موارد مشاهده نمیکنیم.

جوانهای ما جوانهای خوبی هستند. این وسایلی که امروز هست و وجود دارد، در دوره‌ی جنگ تحمیلی در اوّل انقلاب نبود؛ این دستگاه‌های بسیار پیشرفته‌ای که برای انتقال مطلب، انتقال مفهوم، انتقال محتوا به ذهنهای طرف مقابل و تحت تأثیر قرار دادن آنها امروز در کار هستند، آن روز نبودند؛ امروز جوان ما در مقابل اینها دارد مقاومت میکند. آن که اهل نماز است، آن که اهل نماز شب است، آن که اهل نافله است، آن که اهل مسجد است، آن که اهل هیئت و سینه‌زنی است ــ در واقع دارد در مقابل یک چنین موج عظیمی هویّت دینی خودش را نگه میدارد و حفظ میکند و تقویت میکند؛ این خیلی باارزش است؛ ما قدر این را باید بدانیم. جوانهای امروز ما به نظر من جوانهای بسیار خوبی هستند و آمادگی دارند؛ برنامه‌ی ما باید این باشد که این ارزشهایی که این شهادتها را آفرید، این عظمت را، این گذشت را در ملّت ایران به وجود آورد، بتوانیم تبیین کنیم و به نسل بعدی منتقل کنیم تا بتوانند ان‌شاءالله کشور را پیش ببرند و جامعه را پیش ببرند.

خوشبختانه ما با همه‌ی سختی‌ها و تنگدستی‌ها و مشکلاتی که وجود دارد، نقاط مثبت فراوانی در کشور داریم و انسان آمادگی‌های زیادی را در کشور مشاهده میکند برای حرکت در جهت انقلاب؛ حرکت در جهت اسلام؛ انسان این را مشاهده میکند و میبیند. امیدواریم که ان‌شاءالله این [نقاط] تقویت بشود، و کار شما بتواند در این راه، کار کارستانی انجام بدهد و ان‌شاءالله بتوانید در منطقه‌ی خودتان این کار را انجام بدهید.

همان‌طور که عرض کردم به مجموعه‌ی استان خودتان هم اکتفا نکنید؛ یعنی نحوه‌ی عمل بشود و اقدام بشود که آن کسانی که وابسته‌ی به شهرستان‌های دیگر و شهرهای دیگر و مناطق دیگر کشور هستند، این سوغاتی را از اینجا برای آنها ببرند و آنها را آماده کنند و فکر را و گرایش را و آمادگی‌ها را منتقل کنند، و این ارزشها ان‌شاءالله به دیگر مناطق کشور هم منتقل بشود. خداوند ان‌شاءالله به شماها توفیق بدهد، تأییدتان کند و کمکتان کند تا ان‌شاءالله به این مقصودی که به خاطر آن، این کار را انجام دادید، دست پیدا کنید و خداوند از شما، از همه‌ی برادران قبول کند. و ما به مردم عزیز کرج، بخصوص به خانواده‌های شهیدان عزیز هم سلام میرسانیم.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

عراقچی: جنگ روانی ادامه دارد اما ایران برای همه سناریوها آماده است

وزیر امور خارجه با تأکید بر اینکه تهدیدات رژیم صهیونیستی و آمریکا بیشتر در چارچوب جنگ روانی قابل ارزیابی است، گفت: مردم ایران سال‌هاست به این فضاسازی‌ها عادت دارند و این تهدیدها جدید نیست.

به گزارش پیام آشنا، سید عباس عراقچی در مصاحبه با شبکه الجزیره تصریح کرد: جنگ روانی بخشی از جنگ واقعی است و هدف آن ایجاد التهاب و ترس در جامعه ایران است، اما تجربه نشان داده که این اقدامات نتیجه‌ای برای طرف مقابل نداشته است. به گفته وی، آمریکایی‌ها و رژیم اسرائیل می‌دانند که تجربه جنگ گذشته، به‌ویژه جنگ دوازده‌روزه، یک تجربه شکست‌خورده بوده و به اهداف خود نرسیده‌اند. وزیر خارجه ایران با اشاره به آمادگی کامل کشور برای دفاع از خود، افزود: نیروهای مسلح و مردم ایران در هر شرایطی آماده دفاع از کشور هستند. اما این به معنای تمایل ایران به جنگ نیست. اولویت جمهوری اسلامی ایران همواره دیپلماسی بوده و تلاش‌های دیپلماتیک، از جمله در نیویورک، با همین هدف انجام شده است، هرچند زیاده‌خواهی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، به‌ویژه در موضوع اسنب‌بک، مانع پیشرفت شد.

عراقچی تأکید کرد: ایران برای هر سناریویی آمادگی دارد و ارزیابی‌های امنیتی به‌صورت مستمر انجام می‌شود، اما تکرار یک تجربه شکست‌خورده، در صورت وجود عقلانیت، نباید رخ دهد. وی در عین حال هشدار داد که دشمنان ایران در ارتکاب جنایت هیچ حد و مرزی برای خود قائل نیستند و آنچه در غزه رخ داده، گواه این واقعیت است.

وی در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به موضوع هسته‌ای ایران گفت: برنامه هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی ندارد. ممکن است تأسیسات یا تجهیزات آسیب ببینند، اما دانش و فناوری را نمی‌توان با بمب از بین برد. حتی ترور دانشمندان نیز نمی‌تواند اراده یک ملت را نابود کند. تجربه سال‌ها تهدید، تحریم و حتی حمله نظامی نشان داده که هیچ‌یک از این ابزارها به نتیجه نرسیده است.

وزیر امور خارجه ایران با اذعان به اینکه تأسیسات هسته‌ای کشور در جریان حملات هوایی آسیب جدی دیده‌اند، خاطرنشان کرد: این آسیب‌ها به معنای نابودی برنامه هسته‌ای ایران نیست. فناوری هسته‌ای ایران بومی است و قابلیت بازسازی دارد. اراده مردم ایران نیز همچنان پابرجاست. عراقچی در توضیح حمله ایران به پایگاه آمریکا در قطر تصریح کرد: ایران به قطر حمله نکرد، بلکه هدف، پایگاه نظامی آمریکا بود. ایران با کشورهای همسایه خود روابط دوستانه دارد و در صورت درگیری با آمریکا، پاسخ ایران متوجه پایگاه‌های نظامی آمریکا خواهد بود، صرف‌نظر از اینکه این پایگاه‌ها در کدام کشور قرار دارند.

وی افزود: در همان مقطع، ایران با قطر اعلام همبستگی کرد و این موضوع را به‌طور مستقیم به وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اعلام کردم. جنگ ایران با آمریکا است، نه با همسایگان منطقه.

وزیر خارجه ایران با اشاره به بی‌اعتمادی عمیق تهران نسبت به واشنگتن گفت: آمریکا هیچ‌گاه مذاکره‌کننده صادقی نبوده و اعتماد به آن وجود ندارد. اما این بی‌اعتمادی مانع از آزمودن مسیر دیپلماسی نمی‌شود. با این حال، تجربه‌های گذشته باعث شده اعتماد ایران به مذاکره با آمریکا به‌شدت کاهش یابد و همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید کرده‌اند، مذاکره با آمریکا بن‌بست محض است. عراقچی با انتقاد از اقدام سه کشور اروپایی در شورای امنیت برای بازگرداندن تحریم‌ها، این اقدام را «تحریم‌های جدی به دیپلماسی» توصیف کرد و گفت: همان‌طور که حمله نظامی مشکل را حل نکرد، تحریم‌های بیشتر نیز تنها وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند و راه‌حل محسوب نمی‌شود. وی همچنین درباره همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توضیح داد: پس از حمله به تأسیسات هسته‌ای، همکاری‌ها ناچاراً متوقف شد، چرا که هیچ چارچوبی برای بازرسی از تأسیسات بمباران‌شده وجود نداشت. با این حال، ایران با حسن نیت، با آژانس به توافقی جدید رسید و این چارچوب در قاهره امضا شد. اما این اقدام ایران نادیده گرفته شد و با فعال‌سازی اسنب‌بک عملاً بی‌اثر شد؛ بنابراین تهران ناچار به بازنگری در نحوه همکاری با آژانس است. وزیر امور خارجه ایران در بخش پایانی این مصاحبه، اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا درباره ایران را دخالت در امور داخلی کشور دانست و گفت: بزرگ یا قدرتمند بودن ایران فقط به مردم ایران مربوط است و هیچ کشور دیگری حق تصمیم‌گیری در این باره را ندارد. انسجام ملی مردم ایران در جریان جنگ اخیر نشان داد که این ملت خود درباره سرنوشتش تصمیم می‌گیرد.

عراقچی در پایان با اشاره به مسیر دیپلماسی تأکید کرد: یک راه‌حل صلح‌آمیز و مذاکره‌شده همچنان دست‌یافتنی است، به شرط احترام متقابل و پذیرش حقوق ملت ایران. توصیه من به رئیس‌جمهور آمریکا بازگشت به دیپلماسی است؛ مسیری که شاید هنوز برای آن دیر نشده باشد.